رابطهٔ زبان و جنسیت در رمان شب‌های تهران

یدالله بهمنی‌مطلق*
بهزاد مروی**

چکیده

یکی از مسائل جدیدی که در رمان نیاز به بررسی و پژوهش دارد، رابطهٔ زبان و جنسیت است. در این مقاله، که پژوهشی بینارشته‌ای است، پژوهندگان قصد دارند با تکیه بر مطالعات زبان‌شناسی اجتماعی ـ به‌ویژه نظریهٔ لیکاف ـ رابطهٔ زبان و جنسیت را در رمان *شب‌های تهران* بررسی کنند تا از این رهگذر تأثیر جنسیت نویسنده بر زبان رمان و میزان موفقیتش در ایجاد زبانی متناسب با جنسیت شخصیت‌ها معلوم شود. برای این منظور زبان زنان و مردان رمان براساس متغیرهایی چون کاربرد زبان معیار، جملات آمرانه، قطع کلام، مکالمه‌های مشارکتی و رقابتی و درنهایت قاطعیت و انقیاد بررسی شد. یافته‌ها نشان می‌دهد زبان شخصیت‌ها تحت تأثیر جنسیت نویسنده است. معیارهای زبان زنانه با فراوانی بیشتری تکرار شده و نویسنده از بسیاری جهت‌ها توانسته است زبانی متناسب با جنسیت شخصیت‌ها ایجاد کند. عدم تناسب برخی متغیرها با معیارهای زبان‌شناختی، تاحدودی به گرایش‌های فمینیستی نویسنده مربوط است.

کلیدواژه‌ها: رمان، شب‌های تهران، زبان‌شناسی، زبان، جنسیت.

* استادیار دانشگاه تربیت‌دبیر شهیدرجایی y_bahmani43m@yahoo.com
** دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت‌دبیر شهیدرجایی b.marvi907@gmail.com

تاریخ دریافت: ۹۱/۱۱/۱۷ تاریخ پذیرش: ۹۲/۹/۱۱

دوفصلنامهٔ زبان و ادبیات فارسی، سال ۲۲، شمارهٔ ۷۶، بهار و تابستان ۱۳۹۳

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1393.22.76.7.5]

مقدمه

مسئلهٔ زبان و جنسیت را اولین‌بار فمینیست‌های موج دوم مطرح کردند. انتقاد اصلی آنها بر مردسالاری جامعه و وجود تبعیض‌های اجتماعی بود. برهمین‌اساس یکی از عرصه‌های مهم مبارزه از نظر آنان زبان قلمداد می‌شد. آنها اعتقاد داشتند همهٔ زبان‌ها به نحوی ازنظر جنسیتی مردمدار هستند و همین تبعیض‌های زبانی باعث سرکوب زنان شده است. اعتراضات فمینیست‌ها بسیاری از زبان‌شناسان را به بررسی اختلافات زبانی زنان و مردان ترغیب کرد و سبب شد به مقولهٔ جنسیت که تا آن زمان مغفول مانده بود توجه ویژه‌ای شود. برای اولین‌بار رابین لیکاف (۱۹۷۵) با انتشار کتاب *زبان و جایگاه زنان* و چندین مقالهٔ دیگر به صورت جدی و علمی اختلافات زبانی زنان و مردان را تشریح کرد. او معتقد بود تفاوت قدرت در میان زنان و مردان باعث به‌وجودآمدن مردانی حاکم و سلطه‌گر ازیک‌سو و زنانی تابع و مطیع ازسوی دیگر می‌شود. در اجتماع به‌طور نسبی زنان پایگاه اجتماعی کم‌ثبات‌تر و نقش‌های محدودتری دارند، این بی‌ثباتی و تزلزل اجتماعی در رفتار زبانی آنان بازتاب درخور ملاحظه‌ای دارد. در فرایند اجتماعی‌شدن زنان فرامی‌گیرند محجوب، مؤدب و کم‌رو باشند و می‌آموزند که گفتار قاطعانه اصلاً شایستهٔ یک زن نیست. براین‌اساس گرایش به استفاده از ساخت‌های زبانی که به نوعی عدم اطمینان از آن استنباط می‌شود در گفتار زنانه بیشتر است. اجتماع نیز از زنان رفتار صحیح‌تری انتظار دارد که این باعث شده است آنان خیلی کمتر از مردان از واژه‌های عامیانه و دشواژه‌های رکیک استفاده کنند. «دشواژه‌ها صورت‌های زبانی هستند که ذکر آنها ازلحاظ فرهنگی، مذهبی و اجتماعی ناشایست تلقی می‌شود... برخی از این واژه‌ها فحش و ناسزا هستند که خود نشان‌دهندهٔ بار منفی فرهنگی آنهاست» (ارباب، ۱۳۹۱: ۱۰۸ـ ۱۰۹).

لیکاف از این سبک گفتار زنانه با عنوان "زبان ضعیف" یاد می‌کند و علت اصلی آن را تسلط مردان می‌داند و دلیل این تسلط را سلسله‌مراتب طبیعی جنسیت معرفی می‌کند. به نظر او زنان باید بتوانند حمایت نداشتهٔ اجتماعی را به‌سوی خود جلب کنند. به‌همین‌دلیل صفات دلنشین بیشتری را به‌کار می‌گیرند، مؤدبانه حرف می‌زنند و ابهام اجتماعی خویش را در جملاتی سیال و تأویل‌پذیر از دیگران (نقل قول مستقیم) با عطف توجه به تکمیل آن از طرف دیگران (جملات ناتمام) بازتاب می‌دهند (محمدی اصل، ۱۳۸۸: ۲۲).

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1393.22.76.7.5]

پیشینهٔ تحقیق

پیشینهٔ تحقیقات دراین‌زمینه به اوایل دههٔ هفتاد میلادی برمی‌گردد. ساپیر[۱] (۱۹۲۹)، لباو[۲] (۱۹۷۲)، برند[۳] (۱۹۷۵)، دوبوا[۴] و کراچ[۵] (۱۹۷۵)، ترادگیل[۶] (۱۹۸۳)، بارون[۷] (۱۹۸۶)، کامرون[۸] (۱۹۸۹) و... ازجمله پژوهشگران جهانی در این زمینه‌اند (داوری اردکانی و عیار، ۱۳۸۷: ۱۶۵).

عسگری (۱۳۷۵)، نوشین‌فر (۱۳۷۴)، برزگر آق‌قلعه (۱۳۷۸)، فارسیان (۱۳۷۸)، جان‌نژاد (۱۳۸۰) و مدرسی (۱۳۸۷) نیز با تألیف پایان‌نامه‌هایی، زوایایی از این موضوع را در زبان فارسی بررسی کرده و با استفاده از نظریات اندیشمندان جهان به معیارهایی کلی دست یافته‌اند. پژوهشگران دیگری چون نجم‌آبادی (۱۳۷۷)، علی‌نژاد (۱۳۸۱)، بهمنی و باقری (۱۳۹۱) نیز درباب جنسیت در زبان مقالاتی نوشته و به پژوهش‌های زبانی زنانه و مردانه در زبان فارسی غنا بخشیده‌اند.

نویسندگان رمان برای اینکه بتوانند از زبانی متناسب با شخصیت قهرمانان خود استفاده کنند، باید کاملاً با ویژگی‌های خاص زبانی زنان و مردان آشنا باشند؛ به عبارت دیگر باید برای شخصیت‌های زن از زبانی زنانه و برای شخصیت‌های مرد از زبانی مردانه استفاده کنند (بهمنی و باقری، ۱۳۹۱: ۴۵).

با توجه به اینکه پژوهش‌های انجام‌شده در این زمینه، به حوزهٔ گفتاری زبان اختصاص دارد، در این مقاله می‌کوشیم به صورت عینی و براساس نظریه‌های زبان‌شناسی اجتماعی، با تکیه بر متغیرهایی چون کاربرد زبان معیار، جملات آمرانه، مکالمه‌های مشارکتی و رقابتی، قاطعیت و انقیاد رمان *شب‌های تهران* نوشتهٔ غزاله علیزاده را برای دست‌یابی به میزان تأثیر جنسیت نویسنده بر زبان داستان و ضریب موفقیتش در شکل‌دهی زبانی متناسب با جنسیت شخصیت‌ها بررسی کنیم و درنهایت نتایج به‌دست‌آمده را تحلیل و ارزیابی کنیم. ناگفته نماند که لیکاف و پینتون متغیرهای دیگری را نیز در این حوزه مطرح کرده‌اند که به دلیل طولانی‌شدن بیش از حد مقاله از پرداختن به آنها اجتناب کردیم. البته بررسی متغیرهای مزبور بسیاری از اختلافات بنیادین را در زبان زنانه و مردانهٔ اثر تحت مطالعه روشن می‌سازد.

نگاهی به زندگی غزاله علیزاده

غزاله علیزاده در ۲۷ بهمن ۱۳۲۵ از مادری شاعر و نویسنده در مشهد زاده شد. تحصیلات اولیه را در دبیرستان علوم انسانی مهستی به پایان برد. سپس برای ادامهٔ تحصیل به تهران

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1393.22.76.7.5]

آمد و در رشتهٔ علوم سیاسی لیسانس گرفت و مدت‌ها بعد بـه پـاریس رفـت و در دانـشگاه سوربن در رشتهٔ فلسفه و سینما تحصیل کرد (امین، ۱۳۸۴: ۱۸۲).

در دههٔ چهل و پنجاه که کار قصه‌نویسی به اوج شکوفایی خود رسیده بود، او نیـز یکـی از بهترین زنان نویسندهٔ آن زمان بود و یکی از آغازکنندگان جریان داستان‌نویـسی زنـان در ایران به‌شمار می‌آمد. فعالیت ادبی‌اش را در دههٔ چهل با چاپ داستان‌هـایش در مجلـه‌هـا و مطبوعات زادگاهش آغاز کـرد. در نیمـهٔ دوم دهـهٔ چهـل نخـستین داسـتانش در روزنامـهٔ *خراسان* منتشر شد. در ۱۳۵۵ اولین مجموعه آثارش به نام *سفر ناگذشتنی* و در سـال بعـد داستان بلند *بعـد از تابـستان* را بـه چـاپ رسـاند. او رمـان *دو منظـره* را در سـال ۱۳۶۳ و مجموعهٔ *چهارراه* را در ۱۳۷۳ نوشت.

رمان *خانهٔ ادریسی‌ها* که بـین سـال‌هـای۱۳۷۱-۱۳۷۰ نوشـته شـد، تـصویر برخـورد و درآمیختن دو طبقهٔ اشراف و مردم عادی است که انقلاب باعث ازبین‌رفـتن مـرز بـین آنهـا شده است. داستان گاهی به‌سرعت و گاهی به‌کندی پـیش مـی‌رود و سـاختار داسـتانی‌اش بسیار محکم بنا شده است (یزدانی‌خرم، ۱۳۸۸: ۳۴).

رمان *شب‌های تهران* روایت دو گروه اشراف‌زاده و تازه‌به‌دوران‌رسـیدهٔ جامعـه اسـت کـه هردو از رفـاه و ثـروت برخوردارنـد. اشـراف‌زاده‌هـا بااصـالت و پایبنـد بـه اصـول اخلاقـی و تازه‌به‌دوران‌رسیده‌ها با پول‌پرستی و حرص و... نشان داده شـده‌انـد. ایـن رمـان در ششـصد صفحه سال‌های آخر دههٔ چهل و پنجاه را در تهران نشان می‌دهد.

علیزاده دوبار ازدواج کرد که هردوبار به جدایی منجر شـد. زنـدگی‌اش دیـری نپاییـد و سرانجام به سبب بیماری سـرطان بـدرود حیـات گفـت و در روز دوشـنبه ۱۳۷۵/۲/۲۴ در گورستان هنرمندان در امامزاده طاهر کرج به خاک سپرده شد (توسلی، ۱۳۸۵: ۸۷).

زبان زنان و مردان در رمان شب‌های تهران ازنظر زبان‌شناسی

در این مقاله اختلافات زبانی شخصیت‌های زن و مـرد در رمـان *شـب‌هـای تهـران* ازمنظـر زبان‌شناسی بررسی می‌شود. برای دست‌یابی به این منظور، ابتـدا یافتـه‌هـای پـژوهش‌هـای پیشین، چه در زبـان فارسـی و چـه در زبـان انگلیـسی، آورده مـی‌شـود؛ سـپس داده‌هـای به‌دست‌آمده از متن رمان با نظریات زبان‌شناسی مطابقت داده می‌شود. درنهایت با توجه بـه میزان مطابقت زبان شخصیت‌های رمان با معیارهای زبان مردانه و زنانه موفقیـت نویـسنده در ایجاد زبانی متناسب با جنسیت شخصیت‌ها ارزیابی می‌گردد.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1393.22.76.7.5]

کاربرد زبان معیار، عامیانه و محافظه‌کارانه

تمام زبان‌ها دارای شکل معیار هستند که نسبت به دیگر گونه‌های آنها از وجهه و اعتبار بیشتری برخوردار است. شکل معیار هر زبان در کتاب‌ها، رسانه‌ها، روزنامه‌ها، مطبوعات و... به‌کار می‌رود. درمقابل زبان معیار، گویش‌ها و لهجه‌های مختلف، متعلق به طبقات اجتماعی یا گروه‌های قومی و فرهنگی وجود دارد که استفاده از آن منحصر به همان طبقه یا گروه خاص است. کاربرد این صورت‌های عامیانه از طرف افراد جامعه به نوعی بر عقب‌ماندگی آنها حمل می‌شود. بنابراین خودبه‌خود افرادی که منزلت اجتماعی پایین‌تری دارند، برای کسب جایگاه والای اجتماعی به زبان معیار که از وجههٔ بالاتری برخوردار است تقرب می‌جویند. به نظر زبان‌شناسان اجتماعی، ازآنجاکه در بیشتر جوامع، زنان در مقایسه با مردان جایگاه اجتماعی پایین‌تری دارند و از آنان رفتار اجتماعی صحیح‌تر و مناسب‌تری انتظار می‌رود، رفتار زبانی آنان نیز نه‌تنها با مردان متفاوت است، بلکه به‌طورکلی از نظر اجتماعی از شکل‌های بهتر یا صحیح‌تری برخوردار است.

حساسیت زنان در کاربرد شکل‌های معیار زبان سبب شده است که آنها رفتار زبانی محافظه‌کارتری داشته باشند و از صورت‌های جدید یا غیرمعتبر که به نوعی با طبقات پایین جامعه ارتباط دارد کمتر استفاده کنند؛ درحالی‌که مردان در استفاده از صورت‌های غیرمعتبر، کمتر محافظه‌کاری نشان می‌دهند. بنابراین مردان در به‌کارگیری و گسترش بدعت‌ها یا ویژگی‌های زبانی غیرمعتبر به‌طورکلی پیشرو هستند و برعکس حساسیت بیشتر زنان به رفتار زبانی خود، آنان را پیشرو گسترش ویژگی‌های معتبر زبانی ساخته است (نوشین‌فر، ۱۳۸۱: ۱۸۶). ترادگیل دربارهٔ استفادهٔ گویشوران زن از صورت‌های بهتر و درست‌تر زبان می‌نویسد:

> اولاً طبق مطالعات جامعه‌شناختی، زنان بیش از مردان نسبت به مقام و منزلت خود آگاه هستند، به‌همین‌دلیل آنها نسبت به اهمیت اجتماعی متغیرهای زبانی مربوط به طبقهٔ اجتماعی حساس‌تر هستند، ثانیاً گفتار طبقهٔ کارگر که تداعی‌کنندهٔ زمختی است و یک خصیصهٔ مردانه محسوب می‌شود و مفهوم مردانگی با آن هم‌خوانی بیشتری دارد، مردان را وامی‌دارد بیش از زنان به صورت‌های غیرمعیار تمایل داشته باشند (ترادگیل، ۱۳۷۶: ۱۱۵).

او معتقد است پایین‌بودن قدر و منزلت اجتماعی زنان در اجتماع و اینکه جامعه به آنها اجازه نمی‌دهد ازطریق فعالیتِ اقتصادی و ورود به بازار کار برای خود شأن و منزلت اجتماعی ایجاد کنند، باعث می‌شود آنها از منابع نمادین شامل چهره و زبان برای بالابردن جایگاه اجتماعی خود استفاده کنند.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1393.22.76.7.5]

در این پژوهش برای سنجش زبان معیار و محافظه‌کارانه، دو متغیر دشواژه‌ها و کلمات و ضرب‌المثل‌های عامیانه را در رمان بررسی کرده‌ایم. مسلماً پایین‌بودن میزان کاربرد این متغیرها، هنجارین و محافظه‌کاربودن زبان را نشان می‌دهد.

در پژوهش‌های پیشین ثابت شده است که با درنظرگرفتن عواملی نظیر طبقهٔ اجتماعی، گروه نژادی و سنی، زنان پیوسته صورت‌هایی را به‌کار می‌برند که بیش از صورت‌های مورد استفادهٔ مردان به گونهٔ معیار نزدیکی دارد. پژوهش مدرسی (۱۳۶۸) نشان می‌دهد در فارسی تهرانی، زنان بیشتر صورت‌های تلفظی معیار را به‌کار می‌برند (مدرسی، ۱۳۶۸: ۱۶۶). پژوهش جان‌نژاد (۱۳۸۰) نیز کاربرد بیشتر دشواژه‌ها را ازجانب گویشوران مرد تأیید کرده است (جان‌نژاد،۱۳۸۰: ۱۱۶). بنابراین انتظار می‌رود در رمان تحت مطالعه، زبان زنان در قیاس با زبان مردان به گونهٔ معیار نزدیک‌تر و محافظه‌کارتر باشد.

نمونه‌هایی از واژه‌های عامیانه

[شیرزاد]ـ رفت پیش یک جلنبز ولی دوباره برگشت (علیزاده، ۱۳۸۴: ۳۳).

[مادربزرگ]ـ چرا شبیه بیغوش سر زیر بال کرده‌ای؟ (همان: ۲۰۵).

[مادر نسترن]ـ ای کاش از این احمق هیچ زاد و رودی پیدا نمی‌کردم (همان: ۲۹۲).

[بهزاد]ـ مادربزرگم یک تلک‌پلکی برای من گذاشته، با اینکه لایقش نبودم (همان: ۵۰۴) و... .

نمونه‌هایی از دشواژه‌ها

غیررکیک:

[پسر]ـ باز سرخر آوردی؟ (علیزاده، ۱۳۸۴: ۱۹).

[شیرزاد]ـ خفه شو مگر روس‌ها آدم‌اند (همان: ۲۵).

[فرخ]ـ بیکار و مفت‌خور نیستند که شر و ور ببافند؟ (همان: ۲۷).

رکیک:

[مرد]ـ وقتی من مُردم شما هم بیایید یک شکم سیر سر قبرم [...] (همان: ۲۱).

[شیرزاد]ـ چرا نمی‌دهید این پلکان [...]حرام را تعمیر کنند؟ (همان: ۴۷۱).

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1393.22.76.7.5]

جدول ۱. مقایسهٔ زبان معیار و محافظه‌کار در شب‌های تهران

جنسیت / متغیرها	مرد	زن	کل
کلمات عامیانه	۵	۳	۸
ضرب‌المثل‌های عامیانه	۰	۰	۰
دشواژه‌ها	۶۳	۸	۷۱

نگاهی به جدول ۱ نشان می‌دهد، مردان ۶۲/۵ درصد از صورت‌های عامیانه و ۷۳/۸۸ درصد از دشواژه‌ها و زنان ۳۷/۵ درصد از صورت‌های عامیانه و ۲۷/۱۱ درصد از دشواژه‌ها استفاده کرده‌اند که با یافته‌های زبان‌شناسی جنسیت هم‌خوانی دارد.

یافته‌ها نشان می‌دهد شخصیت‌های رمان غالباً از زبان معیار استفاده کرده‌اند و به‌ندرت صورت‌های عامیانهٔ گفتاری را به‌کار برده‌اند. یکی از دلایل این موضوع می‌تواند این باشد که تمام شخصیت‌های رمان متعلق به طبقات اجتماعی بالا و مرفّه جامعه و دارای تحصیلات عالی هستند؛ شخصیت‌های اصلی داستان همگی سطح تحصیلات بالایی دارند، برای مثال بهزاد در امریکا نقاشی خوانده، مادربزرگ یا همان خانم نجم یکی از مالکان و اشراف‌زادگان و اکبر شیرزاد روشن‌فکری انقلابی است.

باید گفت زبان رمان ازحیث معیار و محافظه‌کاربودن، در حد مقبولی به‌درستی و مطابق با کلیشه‌های زبان‌شناسی مردانه و زنانه ایجاد شده و کار نویسنده از این نظر موفقیت‌آمیز بوده است. ازطرف دیگر، روح زنانگی بر زبان داستان حاکم است؛ دلیل این موضوع، همان‌طور که بسیاری از زبان‌شناسان نیز اعتقاد دارند، گرایش ذاتی زنان به رعایت ادب در رفتارهای اجتماعی است و رفتار زبانی هم به‌عنوان رفتاری اجتماعی از این قاعده مستثنا نیست. زنان به‌جای استفاده از دشواژه‌های رکیک و خیلی رکیک ـ که از ویژگی‌های زبان مردانه قلمداد می‌شود ـ کلمات نه‌چندان زشت و بی‌ادبانه را در مواقع لزوم به‌کار می‌برند. دقت در دشواژه‌های داستان ثابت می‌کند که اکثر دشواژه‌های زنان همان کلمات غیررکیک مانند: احمق، نادان و... است. علاوه‌براین کاربرد کلمات عامیانه در داستان بسیار اندک است، که به‌روشنی تأثیر جنسیت نویسنده را در زبان داستان مشخص می‌سازد.

۲. زبان آمرانه

زبان‌شناسان زبان مردانه را قدرتمند و آمر، و زبان زنانه را حمایت‌طلب و مشارکت‌گرا توصیف می‌کنند. آنها معتقدند مردان در گروه‌هایی قرار دارند که به‌صورت سلسله‌مراتبی

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1393.22.76.7.5]

سازمان‌یافته است و رئیس یا رهبر گروه برای اثبات قدرتش بر گروه و کنترل آن، از صورت‌های قوی دستوری استفاده می‌کند. علاوه‌براین، مردان غالباً سلطه‌طلب و در مکالمات در پی غلبه بر هم‌صحبت و نشان‌دادن برتری خود هستند. این باعث می‌شود آنان بیشتر از صورت‌های آمرانهٔ زبان استفاده کنند؛ اما سازمان گروه‌های زنانه غیرسلسله‌مراتبی و مبتنی بر مشارکت و تشریک جمعی است. زنان در مکالمه‌ها درپی برقراری تعامل و ارتباط مثبت با دیگران هستند. این عوامل باعث شده است آنان به‌جای استفاده از دستورهای مستقیم، بیشتر منظورشان را به‌طور پیشنهادی یا غیرمستقیم مطرح کنند.

دستورهای مردانه که مستقیم بیان می‌شود و با تحکّم شدید همراه است، امر تشدیدی و دستورهای زنانه که بیشتر به صورت پیشنهادی و غیرمستقیم مطرح می‌شود، امر تعدیلی نام‌گذاری شده است؛ مثلاً جملهٔ «برگرد خانه» امر تشدیدی و جملهٔ «اگر موافق باشی برگردیم خانه» نمونهٔ تعدیل‌شده و محترمانهٔ آن است.

مطالعات زبان و جنسیت نشان می‌دهد مردان بیشتر از زنان از صورت‌های آمرانه استفاده می‌کنند. تحقیقات و پژوهش‌هایی که در جامعهٔ زبان انگلیسی دربارهٔ کودکان دختر و پسر (گودوین،[۹] ۱۹۹۰)، پدر و مادر (انگل،[۱۰] ۱۹۹۸) و پزشکان مرد و زن (وست،[۱۱] ۱۹۹۰) صورت گرفته است همگی مؤید این مدعاست (خسرونژاد، ۲۰۰۷: ۱۹).

پژوهش‌هایی که در زبان فارسی انجام شده است نیز استفادهٔ بیشتر مردان از صورت‌های آمرانه را تأیید کرده است. پژوهش جان‌نژاد نشان می‌دهد که گویشوران مرد به میزان ۷۷/۵ درصد و زنان ۲۲/۵ درصد در مکالماتشان از کلام آمرانه استفاده می‌کنند (جان‌نژاد، ۱۳۸۰: ۱۱۵). بنابراین انتظار می‌رود با توجه به تحقیقات زبان‌شناسان میزان استفادهٔ مردان از کلام آمرانه به‌ویژه امر تشدیدی در رمان موردنظر بیشتر از زنان باشد.

نمونه‌هایی از جملات آمرانه در رمان

امر تشدیدی:

[فرزین]ـ خودت برو، چون خانم پیر او را به ما سپرده (علیزاده، ۱۳۸۴: ۱۶).

[مرد]ـ بیا جلو ببینمت (همان:۲۰).

[فرخ]ـ چیزی به جز شعر خودش حفظ نیست، برای دوستانمان بخوان (همان: ۲۸).

[شیرزاد]ـ فرزین بیا و کیف مرا بیاور (همان: ۳۰).

امر تعدیلی:

[نسترن]ـ باید برگردیم (همان: ۱۶).

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1393.22.76.7.5]

[آسیه]ـ بیا برویم با هم او را ببینیم (همان: ۲۰۶).

[اسکویی]ـ پس اگر موافق باشید سری به ده بزنیم (همان: ۳۶۲).

[بهزاد]ـ من حاضرم، برویم باغ را با هم ببینیم (همان: ۳۷۱).

جدول ۲. مقایسهٔ دستورها و کلام آمرانه در رمان شب‌های تهران

نوع امر	امر تشدیدی		امر تعدیلی		
جنسیت / رمان	مرد	زن	مرد	زن	کل
شب‌های تهران	۳۸	۷	۱۳	۷	۶۵

داده‌های مربوط به کاربرد کلام آمرانه در این رمان نشان می‌دهد، کاربرد صورت‌های آمرانهٔ مردان ۷۸/۴۶ درصد و از آنِ زنان ۲۱/۵۴ درصد بوده است که از این میزان کاربرد جملات آمرانهٔ تشدیدی مردان ۸۴/۴۴ درصد و از آنِ زنان ۳۵ درصد و میزان کاربرد جملات تعدیلی مردان ۱۵/۴۶ درصد و جملات تعدیلی زنان ۶۵ درصد بوده است. البته امرهای مستقیم زنان نیز گاه با لحن درخواست و تشویق همراه است.

مقایسهٔ نتایج به‌دست‌آمده نشان می‌دهد، کاربرد صورت‌های آمرانه در زبان مردان با ۵۱ مورد، نسبت به زبان زنان با ۱۴ مورد، به میزان درخورتوجهی (حدود ۴ برابر) بیشتر است. براین‌اساس اختلاف بین شخصیت‌های مذکر و مؤنث در کاربرد زبان آمرانه معنادار و با کلیشه‌های زبان‌شناسی سازگار است. این می‌تواند ناشی از دلایل پرشماری باشد: اول اینکه زنان دارای زبانی کاملاً مؤدبانه هستند ـ که کاربرد کم دشواژه‌ها و کلمات عامیانه به‌خوبی این ادعا را ثابت می‌کند ـ و همین التزام به صورت‌های مؤدبانه، آنها را بر آن داشته است تا کمتر از صورت‌های آمرانه به‌خصوص صورت‌های آمرانهٔ تشدیدی استفاده کنند. از طرف دیگر کاربرد زبان آمرانه در بین مردان خیلی بیشتر از زنان است که دلیل آن را باید در شخصیت سلطه‌طلب مردان جست‌وجو کرد. در بیشتر مکالمه‌ها، مردان به‌شدت سلطه‌طلب و رقابت‌گرا هستند. وجود بحث و جدل‌های طولانی که موضوع مکالمه‌های بیشتر فصول رمان را به خود اختصاص داده و کاربرد دشواژه‌های بیشتر در محاوره‌های آنان، به‌روشنی این سلطه‌طلبی را نشان می‌دهد.

در پایان باید گفت نویسنده به‌خوبی از عهدهٔ ایجاد زبان آمرانه برای شخصیت‌های رمان، مطابق با جنسیت آنها، برآمده است. شخصیت‌های زن در مکالمه‌ها مؤدب و مشارکت‌گرا هستند و به‌ندرت از دستورها و جملات آمرانه استفاده می‌کنند و برعکس مردان به‌شدت سلطه‌طلب و رقابت‌گرا هستند و غالباً جملات آمرانه مخصوصاً دستورهای

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1393.22.76.7.5]

تشدیدی را به‌کار می‌برند. بنابراین نویسنده در ایجاد زبان متناسب با شخصیت‌های زن و مرد موفق بوده است.

۳. قطع کلام

پژوهشگران بارها دریافته‌اند که مردان به‌گونهٔ درخور ملاحظه‌ای بیشتر صحبت زنان را قطع می‌کنند. درمقابل، زنان خیلی کمتر سخن مردان را قطع می‌کنند. درحالی‌که زنان تقریباً به همان اندازه که مردان صحبت همدیگر را قطع می‌کنند، صحبت هم‌جنسان خود را قطع می‌کنند؛ ولی به‌ندرت پیش می‌آید که در محاوره‌های مختلط، صحبت مردان را قطع کنند.

تفسیر معمولی که دانشمندانِ طرفدار حقوق زنان ارائه داده‌اند این است که قطع کلام نشانهٔ قدرت و سلطه است؛ یعنی فرد قطع‌کنندهٔ کلام، قصد به‌دست‌گرفتن کنترل مکالمه را دارد. پس تفاوت جنسیتی به‌منزلهٔ این است که مردان قدرت و سلطهٔ خود را بر زنان اعمال می‌کنند. یافته‌های اسمیت لوین و براودی (۱۹۸۹) مبنی بر اینکه مردان با اظهارنظرهای حمایتی صحبت مردانِ دیگر را قطع می‌کنند، درحالی‌که سخن زنان را با نکات خنثی یا مخالفت‌آمیز قطع می‌کنند، فرضیهٔ اعمال قدرت مردان بر زنان را تأیید می‌کند (بل و همکاران، ۲۰۰۶: ۵).

قطع کلام همیشه منفی و نامطلوب قلمداد نمی‌شود و همیشه معیاری برای ارزیابی سلطه‌گری و حاکمیت در تعامل نیست. برخی قطع کلام‌ها به جهت هم‌پوشی و حمایت از گفتار گوینده انجام می‌شود که نه‌تنها نشانهٔ سلطه‌گری نیست، بلکه به قصد تأیید سخنان گوینده صورت می‌گیرد. پس می‌توانیم دو نوع قطع‌کلام را بپذیریم: ۱. قطع کلام سلطه‌گرایانه ۲. قطع‌کلام حمایتی. تانن (۱۹۹۴) معتقد است هم‌گفتاری یا قطع کلام حمایتی می‌تواند نشان‌دهندهٔ مشتاق و علاقه‌مندبودن فرد به ادامهٔ گفت‌وگو باشد و اینکه مخاطب فعالانه موضوع را دنبال می‌کند. او در تحقیقات خود دریافت که این نوع قطع کلام بسیار رایج و معمول است و فعال‌بودن شنونده را نشان می‌دهد. زیرا هدف، گرفتن رشتهٔ کلام از دست گوینده نیست. برای مثال، تصدیق‌گرها، قطع کلام حمایتی و هم‌پوشی گفتار تلقی می‌شوند. اظهار این نوع عبارات نشان‌دهندهٔ توجه و علاقهٔ شنونده به صحبت‌های جاری است. همچنین مواقعی که شنونده انتهای جملهٔ گوینده را پیش‌بینی و جملهٔ خود را هم‌زمان با آن آغاز می‌کند، نوعی قطع کلام هم‌گفتاری است و بیشتر نقش هم‌پوشانی کلام را دارد و نباید آن را قطع کلام در شمار آورد (جان‌نژاد، ۱۳۸۰: ۱۰۵-۱۰۶).

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1393.22.76.7.5]

پژوهش‌های انجام‌شده در زبان انگلیسی نشان می‌دهد که مردان خیلی بیشتر سخن زنان را قطع می‌کنند؛ برای مثال، کاندیس وست و دان زیمرمن (۱۹۷۵ ـ ۱۹۸۳) به تجزیه و تحلیل مکالمه‌های میان مردان و زنان پرداختند و نتیجه گرفتند که زنان در مقایسه با مردان از نظر برگرداندن موضوع صحبت، قطع‌کردن صحبت طرف مقابل و به‌دست‌گرفتن رشتهٔ کلام در موضع ضعیف‌تری قرار دارند. یکی از تحقیقات جالب توجه دیگری که دراین‌باره صورت گرفته، بررسی مکالمه‌های میان پزشکان و بیمارانشان در جامعهٔ انگلیسی است. این تحقیق نشان داد هرگاه پزشک مرد بود و بیمار زن، پزشک در اغلب موارد کلام بیمار را قطع می‌کرد و هنگامی‌که پزشک زن بود و بیمار مرد، بیمار در اغلب موارد کلام پزشک را قطع می‌کرد (ترادگیل، ۱۳۷۶: ۱۶۳). پژوهش‌هایی که در زبان فارسی دربارهٔ گفتار زنان و مردان انجام گرفته نیز تأییدکنندهٔ این فرضیه است. طبق پژوهش جان‌نژاد مردان در ۷۳/۷ درصد و زنان در ۲۶/۳ درصد موارد سخن هم‌صحبت خود را قطع می‌کنند. ۴۷/۳ درصد از قطع کلام‌های زنان حمایتی و ۵۲/۷ درصد آن سلطه‌گرایانه است، درحالی‌که ۶۹/۲ درصد قطع کلام‌های مردان سلطه‌گرایانه و ۳۰/۸ درصد دیگر آن حمایتی است (جان‌نژاد، ۱۳۸۰: ۱۰۷)؛ بنابراین انتظار می‌رود در *شب‌های تهران* میزان قطع کلام‌ها مخصوصاً نوع سلطه‌گرایانهٔ آن دربین شخصیت‌های مرد بیشتر باشد.

نمونه‌هایی از قطع کلام سلطه‌گرایانه

[داوود]ـ تنفرش خیلی هم واقعی نیست.

اکبر شیرزاد محض لجاجت گفت:

[شیرزاد]ـ البته واقعی است، من در دو چیز همیشه صادقم، دوست‌داشتن و تنفر (علیزاده، ۱۳۸۴: ۲۶).

[خانم آسوری]ـ یک روز هم با خانم نجم روی همین ایوان بودیم، شما قدم می‌زدید، گفتند: «ژانت می‌دانی، یک دختر سرزنده و شاد مثل خانم نسترن مناسب بهزاد است». من جسارتاً حرف خانم را تأیید و تصدیق کردم.

مرد جملهٔ او را ناتمام گذاشت:

[بهزاد]ـ بگذارید روشن کنم، من و نسترن دوستیم، مثل خواهر و برادر، با هم ازدواج نکردیم، حتی به فکرمان نرسیده، گاهی یک دوستی بی‌ریا از ازدواج بهتر است (همان: ۵۹۶).

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1393.22.76.7.5]

نمونه‌هایی از قطع کلام حمایتی

[شیرزاد]ـ سزان کدامشان بود؟ براش کتاب ننوشته‌اند؟

بهزاد جواب داد:

[بهزاد]ـ سزان فرانسوی بود (همان: ۲۶).

جدول ۳. مقایسهٔ قطع کلام در رمان *شب‌های تهران*

نوع قطع کلام	سلطه‌گرانه		حمایتی		
جنسیت / رمان	مرد	زن	مرد	زن	کل
شب‌های تهران	۴	۰	۱	۰	۵

داده‌های مربوط به قطع کلام‌ها در این رمان نشان می‌دهد زنان اصلاً سخن هم‌صحبت خود را قطع نکرده‌اند. ۸۰ درصد قطع کلام‌های مردان سلطه‌گرانه و ۲۰ درصد آن حمایتی بوده است.

مقایسهٔ قطع کلام‌های این رمان با یافته‌های زبان‌شناسی نشان می‌دهد اختلاف بین شخصیت‌های زن و مرد معنادار است. در این رمان مردان شخصیتی سلطه‌گر و رقابت‌گرا دارند و در مکالمه‌ها بیشتر درپی غلبه بر مخاطب خود هستند. بحث و جدل‌هایی که در طول داستان بر سر موضوع‌های مختلف هنری، سیاسی و... بین مردان صورت گرفته، به‌روشنی سلطه‌گربودن آنها را نشان می‌دهد. ازطرف دیگر، شخصیت‌های زن در مکالمه‌هایشان بسیار مؤدب و تعامل‌گرا هستند، به‌طوری‌که خیلی کم پیش می‌آید با دیگران مشاجره کنند یا از کلمات زشت و بی‌ادبانه استفاده کنند. با توجه به شواهد به‌دست‌آمده از متن رمان باید گفت کاربرد قطع کلام‌ها در زبان شخصیت‌های داستان درست و دقیق است و نویسنده ازاین‌نظر در ایجاد زبانی متناسب با جنسیت شخصیت‌های داستان موفق عمل کرده است.

٤. کلام رقابتی و مشارکتی

مقصود از کلام رقابتی کلامی است که در آن گوینده تلاش می‌کند بر شریک صحبت خود غلبه کند، دانش و مهارت خویش به او نشان دهد و مکالمه را کنترل کند؛ درحالی‌که در کلام مشارکتی گوینده سعی دارد ارتباط را حفظ کند، آن را گسترش دهد و صمیمیت بیشتری با شریک صحبت خود برقرار کند.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1393.22.76.7.5]

زبان‌شناسان معتقدند مردان در مکالمه‌ها بسیار رقابت‌گرا هستند؛ زیرا درپی کنترل گفت‌وگو، حفظ استقلال، افزایش اعتبار، نشان‌دادن دانش یا مهارت، کسب برتری در مکالمه، پاسخ‌دهی کمتر و به‌کاربردن شیوه‌های قطعی و آمرانه هستند. بنابراین بیشتر سخن هم‌صحبت خود را قطع می‌کنند و کمتر از تصدیق‌گرها، که نشانهٔ توجه مثبت شنونده به سخنان گوینده و تمایل او برای ادامهٔ مکالمه است، استفاده می‌کنند. برای حفظ غلبه و تسلط خود بر طرف مقابل نیز، بیشتر از دستوردادن و صورت‌های آمرانه استفاده می‌کنند. اما برخلاف آنان، زنان در مکالمه بسیار مشارکت‌طلب و تعامل‌گرا هستند، زیرا هدفشان حفظ ارتباط، یکسان‌سازی تجارب، جلب حمایت طرف مقابل، پاسخ‌دهی و تفاهم بیشتر و کاربرد صورت‌های محتاطانه و باتردید است. آنها از گفتار عموماً برای توسعه، حفظ و نگهداری ارتباط بهره می‌گیرند و برای دست‌یابی به صمیمیت بیشتر تلاش می‌کنند؛ به‌همین‌دلیل غیبت‌کردن را بیشتر ترجیح می‌دهند. آنها کمتر سخن هم‌صحبت خود را قطع می‌کنند و بیشتر به سخنان طرف مقابل واکنش مثبت نشان می‌دهند (از تصدیق‌گرها استفاده می‌کنند) و برای حفظ و تداوم ارتباط بیشتر از جمله‌های پرسشی استفاده می‌کنند و کمتر مستقیماً از دیگران انتقاد می‌کنند.

پژوهش‌های انجام‌شده در زبان انگلیسی نیز تأییدکنندهٔ فرضیهٔ رقابت‌گرابودن مردان و مشارکت‌گرابودن زنان در مکالمه‌هاست. تانن (۱۹۹۰) اظهار می‌کند که زنان برای ایجاد ارتباط و صمیمیت سخن می‌گویند و گوش می‌دهند، درحالی‌که مردان برای تعیین پایه، شأن و استقلال از زبان استفاده می‌کنند (نعمتی و بایر، ۲۰۰۷: ۱۸۶).

در این مقاله برای سنجش کلام رقابتی و مشارکتی، متغیرهایی چون دستورها و کلام آمرانه، قطع کلام‌ها، سؤالات و تصدیق‌گرها را بررسی کرده‌ایم. با توجه به اینکه مردان در مکالمه‌ها رقابت‌گرا هستند، انتظار می‌رود بیشتر از دستور و کلام آمرانه استفاده کنند و برای نشان‌دادن برتری خود، بیشتر سخن هم‌صحبتشان را قطع کنند و برعکس زنان که در مکالمه‌ها تعامل‌گرا و مشارکت‌گرا هستند، انتظار می‌رود بیشتر از تصدیق‌گرها و سؤال استفاده کنند.

نمونه‌هایی از مؤلفه‌های کلام رقابتی و مشارکتی

سؤالات:

[بهزاد]ـ حالا چه می‌کنند؟ (علیزاده، ۱۳۸۴: ۶).

[مادربزرگ]ـ برای مهمانی چه فکری داری؟ (همان: ۷).

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1393.22.76.7.5]

[بهزاد]ـ فکری نکرده‌ام، کی‌ها هستند؟ (همان: ۷).

[مادربزرگ]ـ خانوادهٔ شما دربارهٔ دوستانتان عقیده‌ای ندارند؟ (همان: ۱۲).

تصدیق‌گرها:

[بهزاد]ـ اصلاً مناسب من نیست، خیلی جوان است.

[مادربزرگ]ـ می‌فهمم تو پیر شده‌ای... (علیزاده، ۱۳۸۴: ۸).

[مادربزرگ]ـ جمع این صفات خارج از تحمل یک فرد است.

همسر آقای پیر با صدای نازک گسسته گفت:

[همسر مباشر مادربزرگ]ـ خانم درست می‌گوید، با اینکه بچه ندارم کتاب پرورش کودک زیاد خوانده‌ام (همان: ۱۳).

جدول ۴. مقایسهٔ کلام رقابتی و مشارکتی در رمان *شب‌های تهران*

رمان	شب‌های تهران		
جنسیت / متغیرها	مرد	زن	کل
تصدیق‌گرها	۱۶	۱۶	۳۲
صورت‌های سؤالی	۲۶۱	۱۱۹	۳۸۰
قطع کلام	۵	۰	۵
کلام آمرانه	۵۱	۱۴	۶۵

مقایسهٔ متغیرهای رقابتی، یعنی کلام آمرانه و قطع کلام‌ها در این رمان نشان می‌دهد فراوانی کاربرد دستور و کلام آمرانه در مکالمه‌های مردان ۷۸/۴۶ درصد و در کلام زنان ۲۱/۵۴ درصد و نسبت قطع کلام‌های مردان به زنان ۱۰۰ به صفر است. همچنین مقایسهٔ صورت‌های مشارکتی یعنی تصدیق‌گرها و سؤالات نشان می‌دهد کاربرد تصدیق‌گرها در زبان مردان و زنان، ۵۰ به ۵۰ و فراوانی استفاده از پرسش‌ها در زبان مردان ۶۸/۶۸ درصد و در زبان زنان ۳۱/۳۲ درصد بوده است.

نمونه‌ها نشان می‌دهد، صورت‌های رقابت‌گرا در مکالمهٔ شخصیت‌های مرد و زن به‌درستی به‌کار رفته است. تعداد قطع کلام‌ها و دستورهای مردان به‌مراتب بیشتر از زنان است. اما شواهد به‌دست‌آمده از کاربرد تصدیق‌گرها در این رمان معنی‌دار نیست. با توجه به مقیدبودن شخصیت‌های زن این رمان به رعایت ادب در گفتار، انتظار می‌رفت میزان کاربرد تصدیق‌گرها در زبان زنان بیشتر باشد. همچنین میزان کاربرد صورت‌های سؤالی در مکالمهٔ مردان خیلی بیشتر از زنان است که با معیارهای معمول زبان‌شناسی مطابقت ندارد و

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1393.22.76.7.5]

ازاین‌منظر زبان شخصیت‌های رمان دچار نقص و اشکال به نظر می‌رسد. شاید دلیل این موضوع را بتوان در شخصیت نویسنده جست‌وجو کرد. نویسنده‌ای که در پرونده‌اش شکست‌های حاصل از ازدواج، بیماری و اقدام به خودکشی مشهود است، خواننده را به این قضاوت وامی‌دارد که او می‌خواهد به‌عمد دربرابر معیارهای پذیرفته‌شده حتی از طرف خودش نیز عصیان کند. علت کاربرد بیشتر صورت‌های پرسشی در مکالمهٔ مردان، وجود مناظره‌های شخصیت‌های مرد است که محتوای بیشتر بخش‌های رمان را به خود اختصاص داده است.

نمونه‌ها نشان می‌دهد زبان شخصیت‌های مرد کاملاً رقابتی است و با توجه به نظر زبان‌شناسان گواه موفقیت نویسنده در این زمینه است، اما ویژگی‌های مشارکتی در زبان شخصیت‌های زن وجود ندارد، ازاین‌رو با توجه به مکالمات مؤدبانهٔ آنان، نویسنده نتوانسته یا نخواسته است از زبانی تعامل‌گرا و متناسب با شخصیت آنها استفاده کند. البته نویسندگان فرض دوم را بیشتر صادق می‌دانند.

۵. قاطعیت و انقیاد

ازنظر لیکاف (۱۹۷۵) زبان مردانه قاطعانه، بزرگسالانه و مستقیم؛ و زبان زنانه نابالغ، خیلی رسمی و بیش از حد مؤدبانه و غیرقاطعانه است (نعمتی و بایر، ۲۰۰۷: ۱۸۸).

اریکسون، جانسون و اُبار[۱۲] (۱۹۷۸) در پژوهش‌هایی سبک‌های گفتار قدرتمندانه و ضعیف را بررسی و استدلال کرده‌اند که سبک‌های گفتاری با جایگاه و قدرت اجتماعی پیوند و وابستگی دارد. افراد دارای جایگاه پایین عموماً سبک‌های گفتاری ضعیف را به‌کار می‌برند که با تشدیدکننده‌ها، تعدیل‌کننده‌ها، درنگ‌ها، صورت‌های سؤالی (استفاده از لحن خیزان، صورت‌های سؤالی با استفاده از زیروبم صدا)، صورت‌های خیلی مؤدبانه و دارای ژست و پرستیژ بالا و اشاره در هنگام صحبت همراه است؛ درحالی‌که افراد دارای جایگاه بالای اجتماعی به‌ندرت شکل‌های ضعیف را به‌کار می‌برند. زنان ازآنجاکه در اجتماع جایگاهی ضعیف دارند، از شکل‌های ضعیف زبانی استفاده می‌کنند و بالعکس صورت‌های مردانه، قاطع و قدرتمندانه است (غفارثمر و علی‌بخشی، ۲۰۰۷: ۶۰).

تانن (۱۹۹۰/ ۱۹۹۴/۱۹۹۵) این پژوهش را دنبال و تأثیر اجتماعی‌شدن را بر زنان و مردان مطالعه کرد. او نشان داد زنان عموماً طبق احساس نیاز اولیه به ارتباط و مردان به‌دلیل احساس نیاز به جایگاه اجتماعی، اجتماعی می‌شوند. زنان برای برآورده‌کردن نیاز خویش به ارتباط با دیگران ایجاد صمیمیت می‌کنند، درحالی‌که مردان برای برآورده‌کردن

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1393.22.76.7.5]

نیازشان به جایگاه اجتماعی، به فاصله‌گرفتن و مستقل‌شدن از دیگران دست می‌زنند. بنابراین زبان زنان مؤدبانه و زبان مردان برای کسب جایگاه بالاتر، قاطعانه و قدرتمندانه است (همان، ۲۰۰۷: ۶۱).

در این مبحث برای سنجش میزان انقیاد و قاطعیت در متون نوشتاری، متغیرهایی چون تشدیدکننده‌ها، تعدیل‌کننده‌ها، نقل‌قول‌های مستقیم، پرسش‌های ضمیمه‌ای، جملات ناتمام و عذرخواهی‌ها را بررسی کرده‌ایم. مسلم است که هرقدر فراوانی استفاده از این متغیرها در مکالمهٔ شخصیت‌های رمان بیشتر باشد، انقیاد زبانی آنها نیز بیشتر خواهد بود.

ازآنجاکه در جامعهٔ ایرانی، زنان در جایگاه اجتماعی نسبتاً پایینی قرار دارند و تحت تسلط مردان زندگی می‌کنند و در بسیاری از جوانب از آنان به‌خصوص شوهران خود کسب شأن و منزلت می‌کنند، انتظار می‌رود میزان انقیاد و تبعیت آنها به مراتب بیشتر از مردان باشد.

نمونه‌هایی از این مورد

تشدیدکننده‌ها:

[بهزاد]ـ قصد شما حتماً ترساندن من نیست (علیزاده، ۱۳۸۴: ۷).

[مادربزرگ]ـ برای سرگرمی‌شان راهی حتماً است (همان: ۱۳).

تعدیل‌کننده‌ها:

[نسترن]ـ ... فکر کنم تو داری، خاله یک بلوز توری سیاه برایت آورده... (همان: ۲۹۷).

[مهران رامبد]ـ ... فکر می‌کنم زن یک کنت شد (همان: ۳۰۲).

پرسش‌های ضمیمه‌ای:

[خانم حکمت]ـ از سرشب می‌گفتم شبیه چی هستی، یک مرتبه فهمیدم، شکل رز صورتی، فکر نمی‌کنید؟ (همان: ۲۱۲).

[صاحب مسافرخانه]ـ گفتم که معتاد و خرابکار راه نمی‌دهیم، راه می‌دهیم؟ (همان: ۴۵۵).

نقل‌قول‌های مستقیم:

[شیرزاد]ـ اِوای زیبا، خانم خانم‌ها، در یک مصاحبه حرف قشنگی گفته، گفته «فقط سه تا مرد در زندگی‌ام بودند که قلب مرا شکستند» (همان: ۲۴).

[نسترن]ـ شنیده‌ام که شاه ظالمی بود؛ فرزندانش را کور کرد (همان: ۱۹۸).

جملات ناتمام:

[شاهوردی]ـ وقتی که خانم بودند... (همان: ۴۳۶).

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1393.22.76.7.5]

[صاحب مسافرخانه]ـ اینجا ما آبرو داریم، از دور خرابکار را ببینیم می‌شناسیم، فوراً خبر می‌دهیم، این تلفن‌ها... (همان: ۴۵۵).

عذرخواهی‌ها:

[فرزین]ـ حالا ببخش، چیزی نمی‌فهمند، مطالعه ندارند (همان: ۳۰).

[شاهوردی]ـ خیلی ببخشید، پرحرفی کردم... (همان: ۴۳۴).

جدول ۵. مقایسهٔ قاطعیت و انقیاد در رمان *شب‌های تهران*

رمان	شب‌های تهران	
جنسیت / متغیرها	مرد	زن
تشدیدکننده‌ها	۸۰	۴۴
تعدیل‌کننده‌ها	۳۶	۱۷
نقل‌قول‌های مستقیم	۱۴	۸
پرسش‌های ضمیمه‌ای	۷	۳
جملات ناتمام	۳	۲
عذرخواهی‌ها	۹	۰
کل	۳۴۷	۲۲۹

بررسی تشدیدکننده‌ها به‌عنوان یکی از صورت‌های ضعیف زبانی نشان می‌دهد فراوانی استفاده از آنها در زبان مردان، با ۶۴/۵۱ درصد، نسبت به زبان زنان، با ۳۵/۴۹ درصد، بیشتر است. بررسی صورت‌های ضعیف زبانی دیگر به این قرار است: فراوانی استفاده از تعدیل‌کننده‌ها در زبان مردان با ۶۷/۹۲ درصد نسبت به زبان زنان با ۳۲/۰۷ درصد و نقل‌قول‌های مستقیم به ترتیب در مکالمه‌های مردان و زنان به نسبت ۶۳/۶۳ درصد به ۳۶/۳۷ درصد، پرسش‌های ضمیمه‌ای با نسبت ۷۰ به ۳۰ درصد، جمله‌های ناتمام با نسبت ۶۰ به ۴۰ درصد و درنهایت استفاده از عذرخواهی در مکالمه‌های مردان در قیاس با مکالمه‌های زنان با نسبت ۱۰۰ به صفر بیشتر است.

بررسی صورت‌های ضعیف زبانی در مکالمه‌های شخصیت‌های این رمان نشان می‌دهد میزان استفاده از این صورت‌ها در زبان مردان بیشتر از زبان زنان است، درحالی‌که با توجه به مؤدبانه‌بودن زبان زنان و رقابت‌گرا و قاطعانه‌بودن زبان مردان، باید کاربرد صورت‌های ضعیف در مکالمه‌های زنان بیشتر از مردان باشد. براین‌اساس و با توجه به نظریات زبان‌شناسان، نویسنده نتوانسته یا نخواسته است زبانی قاطعانه برای شخصیت‌های مرد و زبانی غیرقاطعانه برای شخصیت‌های زن ایجاد کند. ازاین‌لحاظ مکالمه‌های رمان با نظر زبان‌شناسان مطابقت ندارد.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1393.22.76.7.5]

با اندکی دقت در روحیهٔ علیزاده می‌توان دلیل کاربرد بیشتر صورت‌های ضعیف زبانی را در مکالمه‌های مردان فهمید. او ازجمله نویسندگان فمینیستی بود که در دههٔ چهل پا به عرصهٔ نویسندگی گذاشت و با هدف ارتقای جایگاه زنان و تفوق بر مردسالاری حاکم بر اجتماع قلم زد؛ پرواضح است که نویسنده‌ای با روحیات زنانه سعی می‌کند قهرمانان زن داستان‌هایش را افرادی قوی و دارای شخصیتی محوری معرفی کند، نه صرفاً افرادی منفعل و دارای شخصیتی وابسته که درکنار مردان معنا پیدا می‌کنند. بنابراین به نظر می‌رسد او عمداً خواسته است شخصیت‌های زن داستانش را افرادی قاطع و قدرتمند معرفی کند تا فریادی خاموش دربرابر مردسالاری حاکم بر جامعهٔ روزگارش سردهد.

نتیجه‌گیری

حاصل پژوهش نشان می‌دهد در رمان *شب‌های تهران* زنان غالباً از زبان رسمی و معیار بهره می‌برند؛ به‌طوری‌که به‌ندرت دشواژه‌ها و کلمات عامیانه در گفت‌وگوهایشان دیده می‌شود. ازاین‌گذشته، میزان استفادهٔ مردان نیز از کلمات عامیانه بسیار اندک و برخلاف معیارهای زبان‌شناسی است که به‌نظر می‌رسد سطح سواد و طبقهٔ اجتماعی شخصیت‌ها در آن دخیل بوده است. تحقیقات زبان‌شناسان فرضیهٔ استفادهٔ بیشتر مردان از دستورها و کلام آمرانه مخصوصاً امر تشدیدی را تأیید می‌کند. یافته‌ها در این رمان گویای این مسئله است که تفاوت زنان و مردان در کاربرد دستورها و اوامر بسیار زیاد و مبین سلطه‌گری مردان است. همچنین نشان می‌دهد مردان بیشتر کلام زنان را قطع می‌کنند، اما اگر زنان نیز به‌ندرت به این کار اقدام کنند، بیشتر برای حمایت از گوینده است تا سلطه‌گری و غلبه بر او. در رمان *شب‌های تهران* زنان به رعایت ادب و نزاکت در مکالمه اهمیت بیشتری می‌دهند و هیچ‌گاه سخن هم‌صحبت خود را قطع نمی‌کنند، بنابراین زبان شخصیت‌های زن و مرد از نظر رقابتی و مشارکتی کاملاً به‌درستی شکل گرفته است. مردان سهم بیشتری در قطع کلام و کلام آمرانه دارند و از نظر استفاده از تصدیق‌گرها با زنان مساوی هستند. زبان‌شناسان اجتماعی به‌خصوص افرادی مانند لیکاف معتقدند که مردان از زبانی قاطعانه استفاده می‌کنند، درمقابل زنان در گفتارشان منفعل و پیرو مردان هستند. در این مقاله برای این منظور تشدیدکننده‌ها، تعدیل‌کننده‌ها، صورت‌های سؤالی، نقل قول مستقیم، سؤالات ضمیمه‌ای، جملات ناتمام و عذرخواهی‌های شخصیت‌ها تجزیه و تحلیل شد. نتیجه اینکه سهم شخصیت‌های زن در کاربرد تشدیدگرها بیشتر است، اما متغیرهای دیگر به نفع شخصیت‌های مرد است. براین‌اساس در این مقاله فرضیهٔ لیکاف دربارهٔ انقیاد زنان و

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1393.22.76.7.5]

قاطعیت مردان تأیید نمی‌شود که دلیل اصلی آن را می‌توان در زندگی خصوصی و عوامل روحی و روانی نویسنده جست‌وجو کرد.

پی‌نوشت

1.Sapir
2.Labov
3.Brand
4.Du Bois
5.Crouch
6.Trudgil
7.Baron
8.Cameron
9.Goodwin
10.Engle's
11.West
12.Erikson & Johnson & O'Barr

منابع

ارباب، سپیده (۱۳۹۱) «بررسی و طبقه‌بندی دشواژه‌های رایج فارسی در تداول عامه». *نشریهٔ پژوهش‌های زبان‌شناسی تطبیقی*. سال دوم. شمارهٔ ۴: ۱۰۷- ۱۲۴.

امین، حسن (۱۳۸۴) *ادبیات معاصر ایران*. تهران: دایرةالمعارف ایران‌شناسی.

بهمنی‌مطلق، یدالله و نرگس باقری (۱۳۹۱) «مقایسهٔ زبان زنان در آثار سیمین دانشور و جلال آل‌احمد». *فصلنامهٔ زن و فرهنگ*. سال سوم. شمارهٔ ۱۱: ۴۳-۵۹.

ترادگیل، پیتر (۱۳۷۶) *زبان‌شناسی اجتماعی، درآمدی بر زبان و جامعه*. ترجمهٔ محمد طباطبایی. تهران: آگه.

توسلی، ناهید (۱۳۸۵) «اختاپوس، به مناسبت سومین سالمرگ غزاله علیزاده». *نشریهٔ آدینه*. شمارهٔ ۱۳۸: ۸۶-۸۷.

جان‌نژاد، محسن (۱۳۸۰) «زبان و جنسیت: پژوهش زبان‌شناختی اجتماعی؛ تفاوت‌های زبانی میان گویشوران مرد و زن ایرانی در تعامل مکالمه‌ای». پایان‌نامهٔ دکتری دانشگاه تهران.

داوری اردکانی، نگار و عطیه عیار (۱۳۸۷) «کنکاشی در پژوهش‌های زبان‌شناختی جنسیت». *فصلنامهٔ مطالعات راهبردی زنان*. سال یازدهم. شمارهٔ ۴۲: ۱۶۲- ۱۸۲.

علیزاده، غزاله (۱۳۸۴) *شب‌های تهران*. چاپ چهارم. تهران: توس.

محمدی اصل، عباس (۱۳۸۸) *جنسیت و زبان‌شناسی اجتماعی*. تهران: گل‌آذین.

نوشین‌فر، ویدا (۱۳۸۱) «زبان و جنسیت». *مجلهٔ دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی بیرجند*. شمارهٔ ۲: ۱۸۱-۱۸۸.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1393.22.76.7.5]

یزدانی‌خرم، مهدی (۱۳۸۸) «آنها دنیا را از چشم خود دیدند: به مناسبت سالروز تولد صادق هدایت و غزاله علیزاده». *نشریهٔ چلچراغ*: ۳۴-۳۵.

Courtney M. Bell & Philip M. McCarthy et al (2006) "Variations in Language Use across Gender: Biological versus Sociological Theories." In R. Sun & N. Miyake (Eds.) Proceedings of the 28th Annual Conference of the Cognitive Science Society (pp. 1009). Mahwah, NJ: Erlbaum.

Khosronejad, Abdollah (2007) "The Role of Gender on Content Analysis of English and Persian Short Stories." Tarbiat Moallem University.

Nemati, Azadeh and Bayer, M. Jennifer (2007) "Gender differences in the use of linguistic forms in the speech of men and women-A comparative study of Persian and English". *Glossa* (ISSN 1931-7778), (3)1, pp: 185-201.

Reza Ghafar Samar & Goodarz Alibakhshi (2007) "The Gender Linked Differences in the Use of Linguistic Strategies in Face-to-face Communication". *Linguistics Journal*, Volume 3, Issue 3, pp. 59-71.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1393.22.76.7.5]